

ارتباط ویروس لکوز گاوی با اندومتریس در گاوهای شیری

مهدی خسروی^{۱*}، فرید براتی^۲، محمدرضا محزونیه^۳، افشین جعفری^۴، تقی تکتاز^۴

^۱ دانش آموخته دکتری دامپزشکی، دانشگاه شهرکرد، دانشکده دامپزشکی، گروه علوم درمانگاهی، دانشگاه شهرکرد، دانشکده دامپزشکی
^۲ گروه علوم پاتولوژی، دانشگاه شهرکرد، دانشکده دامپزشکی، گروه علوم درمانگاهی، دانشگاه آزاد اسلامی شهرکرد، دانشکده دامپزشکی
^۳ گروه علوم درمانگاهی، دانشگاه شهید چمران اهواز، دانشکده دامپزشکی

* m.khosravi89vet@gmail.com

هدف: ویروس لکوز گاو یک انکوویروس تیپ C و برونزا است که در جنس دلتارتروویروس‌ها از خانواده رتروویروس قرار دارد و توالی ژنومی آن به صورت کامل در گاو تعریف شده است. بیماری لکوز گاوی ضررهای مهمی را به صنعت دامداری وارد می‌کند و از این رو هزینه‌های قابل توجهی به صنعت دامداری وارد می‌کند. ضررهای اقتصادی شامل مواردی مرگ، حذف گاو، کاهش تولید شیر، کاهش ارزش لاشه و عدم فروش گاوهای آلوده است. اندومتریس یک التهاب سطحی در اندومتریم می‌باشد که لایه‌های عمقی تر از لایه اسفنجی را درگیر نمی‌کند. علائم بالینی اندومتریس شامل حضور ترشحات چرکی یا موکوسی چرکی در داخل رحم و یا خروج ترشحات واژینال چرکی یا موکوسی چرکی سفید یا زرد مایل به سفید می‌باشد. از نظر پاتولوژیک، اندومتریس به واسطه درجاتی از هم گسیختگی و تغییرات دژنراتیو سطح اپیتلیوم، پرخونی عروقی، آماس بافت استروما و نیز درجات متغیری از مهاجرت نوتروفیل‌ها و دیگر سلول‌های التهابی (لنفوسیت‌ها و پلاسماسل‌ها) به لایه‌های سطحی اندومتر رحم و داخل مجرای رحم مشخص می‌گردد.

مواد و روش کار: در این مطالعه ارتباط بین ویروس لکوز گاوی و اندومتریس در گله‌های شیری مورد بررسی قرار گرفت. نمونه‌ها از دو گله جمع‌آوری شدند که مورد تجزیه و تحلیل سرولوژی آنتی بادی لکوز (تعداد گله اول: ۱۷۴) و PCR (تعداد گله دوم: ۹۹) قرار گرفتند. برخی از عوامل مهم مخدوش‌کننده مؤثر روی اندومتریس نیز در نظر گرفته شدند.

بحث و نتیجه گیری: نتایج حاصل از مطالعه حاضر نشان داد که رابطه‌ای بین ویروس لکوز گاوی و اندومتریس از طریق تحقیقات ژنوم با روش PCR و یا بررسی آنتی بادی‌های الایزا وجود ندارد. با این حال برخی پارامترهای تولیدمثلی مانند روزهای باز، با آنتی بادی لکوز در ارتباط بود.

واژگان کلیدی: گاوهای شیری، ویروس لکوز گاوی، اندومتریس، PCR، الایزا

The relationship between BLV positive and endometritis in dairy cows

Mahdi Khosravi^{1*}, Farid Barati², Mohammadreza Mahzooniyeh³, Afshin Jafari Dehkordi², Taghi Taktaz⁴

¹DVM student, Faculty of veterinary medicine, shahrekord University, ²Department of Clinical sciences, Faculty of veterinary medicine, shahrekord University, ³Department of Pathobiological sciences, Faculty of veterinary medicine, shahrekord University, ⁴Department of Clinical sciences, Faculty of veterinary medicine, Islamic Azad University- shahrekord branch.

m.khosravi89vet@gmail.com

Objectives: The aim of the present study was to investigate any relationship between BLV and endometritis in dairy herds. The samples were collected from two herd and subjected to serological analysis for BLV antibody (Herd 1; n= 174) and BLV through PCR (Herd2; n=100). Some important factors that are effective on endometritis were considered to exclude the disrupted animals. The results of the present study were shown that there is not any relationship between BLV and endometritis through genome investigation by PCR or antibody investigation by ELISA. However some reproductive parameters e.g., Days open, were correlated with BLV antibody.

Keywords: dairy herds, BLV, endometritis, PCR, ELISA



بررسی میزان آلودگی به نئوسپورا کانینوم در بزهای مرغز سقز، کردستان

غزاله ادیمی^{۱*}، آرام پرویزی^۲

گروه پاتوبیولوژی، دانشکده دامپزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران^۱، دانش آموخته دکترای عمومی دامپزشکی، دانشکده دامپزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران^۲

adhamidvm@gmail.com

هدف: نئوسپورا کانینوم یک پاتوژن با گسترش جهانی می باشد که باعث سقط جنین در گاو و خسارات اقتصادی بخصوص در گاووداری‌های صنعتی میشود. سگ‌سانان اهلی و وحشی میزبانان نهایی انگل و گونه‌های مختلف پرندگان تا پستانداران میزبان واسط انگل می باشند. سقط جنین در بز و اختلالات تولیدمثلی در مطالعات مختلف گزارش گردیده است. بدلیل آنکه تشخیص قطعی انگل به وسیله معاینات کلینیکی مشکل می باشد، تست‌های سرولوژیکی به منظور تشخیص دقیق ضروری می باشد. هدف از مطالعه حاضر تعیین میزان آلودگی به نئوسپورا کانینوم در بزهای مرغز و ریسک فاکتورهای مرتبط با آن می باشد.

مواد و روش کار: در مجموع ۱۸۰ نمونه سرم در فاصله زمانی ۹۳-۱۳۹۲ جمع آوری گردید. سقز عمده ترین محل تجمع بزهای مرغز استان کردستان بوده، لذا مطالعه مربوطه در سطح منطقه مربوطه صورت گرفت. نمونه‌ها سپس بوسیله کیت تجاری الیزای IDvet مورد سنجش قرار گرفت.

بحث و نتیجه گیری: آنتی‌بادی‌های ضد نئوسپورا کانینوم در سرم ۴ راس (۲/۲٪) جداسازی شد. فراوانی آلودگی در گروه سنی زیر یکسال ۱/۴۴٪ (n= ۱/۶۹) و در گروه بالای یک سال ۲/۷٪ (n= ۳/۱۱۱) بود. آنالیزهای آماری نشان دهنده وجود رابطه معنی‌دار بین فراوانی آلودگی و گروه‌های سنی بود (p< ۰/۰۵). شیوع آلودگی به نئوسپورا کانینوم در گروه با سابقه سقط جنین ۵/۷۶٪ (n=۳/۵۲) و در گروه بدون سابقه سقط جنین ۰/۷۸٪ (n=۱/۱۲۸) بود. از نظر آماری رابطه بین آلودگی و سقط جنین معنی‌دار نبود (p> ۰/۰۵). این مطالعه اولین مطالعه سرولوژیکی آلودگی به نئوسپورا کانینوم در بزهای مرغز استان کردستان می باشد. نتایج حاصل از این مطالعه نشان دهنده وجود کم آنتی‌بادی‌های نئوسپورا کانینوم در بزهای مرغز بود. به منظور تعیین نقش نئوسپورا در دام‌های دارای سقط جنین مطالعات بیشتر اپیدمیولوژیکی و مولکولی توصیه میشود. کلمات کلیدی: نئوسپورا کانینوم، بز، مرغز، الیزا، آلودگی

Investigation of Neospora caninum infection rate in marghoz goats of Saghez, Kurdistan

Adhami GH*, Parvizi A

Department of parasitology, Islamic azad university, Sanandaj branch, Iran

Graduated of veterinary medicin, Islamic azad university, Sanandaj branch, Iran

adhamidvm@gmail.com

Objectives: Neospora caninum is a worldwide distributed pathogen which causes abortions in cows leading to economic losses specially in the cattle industry. Domestic and wild canids are definitive, whereas different bird and mammalian species serve as intermediated hosts. Ovine abortion and reproductive failure due to neosporosis have been reported in several studies. As clinical diagnosis is difficult, serological tests are necessary for an exact diagnosis. The objective of the present study was to determine the infection rate of marghoz goat to N. caninum and defining its related risk factors.

Materials & Methods: A total number of 180 serum samples were taken during period of 2014-2015. Saghez is the mainest gathering place of Marghoz goats in Kurdistan province, so this study was done in Saghez. Samples were examined by commercial N. caninum IDvet Elisa kit.

Results & conclusion: N. caninum. Antibodies were detected in 4 (2/2%) of goats. The prevalence of N. caninum was 1.44% (n=1/69) in age group under one years old and 2.7% (n=3/111) in age group over one years old. Statistical analysis showed the significant relationship between infection rate and age group (p<0.05). The prevalence of N. caninum was 5.76% (n=3/52) in group with abortion and 0.78% (n=1/128) in group without abortion. There was no relationship between seropositivity and abortion (p>0.05). This study was the first serological investigation of Neospora caninum in marghoz goats of Kurdistan. This study indicates the low presence of N. caninum in marghoz goats. To determine the role of Neospora in aborted goats more epidemiological and molecular investigations recommended.

Keywords: Neospora caninum, goat, elisa, Marghoz, infection



بررسی میزان شیوع بابازیا در نشخوارکنندگان کوچک شهرستان سنندج

غزاله ادهمی^{۱*}، فرشیدصابری نژاد^۲

گروه پاتوبیولوژی، دانشکده دامپزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران^۱

دانش آموخته دکترای عمومی دامپزشکی، دانشکده دامپزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران^۲

adhamidvm@gmail.com

هدف: بابزیوز بیماری انگلی خونی ایجاد کننده خسارات اقتصادی فراوان در صنعت دامپروری در سراسر دنیا می باشد. تشخیص زودهنگام جهت درمان موفقیت آمیز بابزیوز که مرحله کلیدی در مدیریت بهداشتی و کنترل بیماری می باشد، مهم است. استان کردستان به جهت داشتن مراتع غنی، جهت پرورش نشخوارکنندگان کوچک مستعد می باشد. هدف از این مطالعه ارزیابی میزان آلودگی به بابازیا در نشخوارکنندگان کوچک شهرستان سنندج بود.

مواد و روشها: گسترش‌های خونی فیکس شده با اتانول ۳۰۰ رأس نشخوارکننده کوچک (۱۹۰ راس گوسفند، ۱۱۰ راس بز) که در فاصله زمانی ۹۳-۱۳۹۲ از نقاط مختلف شهرستان سنندج جمع آوری شده بود، به منظور ارزیابی میزان آلودگی بابازیایی ارزیابی شد. ارزیابی گسترش‌های رنگ آمیزی شده به روش گیم‌سا به وسیله میکروسکوپ نوری صورت گرفت.

بحث و نتیجه گیری: نتایج حاصل از این مطالعه نشان دهنده مثبت بودن ۳۶/۶ درصد ($n=110/300$) نمونه‌های بررسی شده بود. آنالیزهای آماری نشان‌دهنده وجود ارتباط معنی‌داری بین فراوانی آلودگی و حضورکنه بر روی دام، جنسیت و گروه‌های سنی بود. باتوجه به نتایج بدست آمده از این مطالعه، میزان شیوع آلودگی بابازیایی در شهرستان سنندج قابل توجه بوده و برنامه‌های کنترلی نظیر ریشه‌کنی میزبان ناقل بایستی اجرا شود. کلمات کلیدی: بابازیا، نشخوارکنندگان کوچک، شیوع، سنندج

Prevalence of Babesia spp in small ruminants in Sanandaj

Adhami GH*, Saberinezhad F

Department of parasitology, Islamic azad university, Sanandaj branch, Iran

Graduated of veterinary medicin, Islamic azad university, Sanandaj branch, Iran

adhamidvm@gmail.com

Background: Babesiosis is a haemoparasitic disease with high economical losses in livestock industry worldwide. The early diagnosis is important for successful therapy of babesiosis which belong to the key steps of control and health management of livestock. Kurdistan province is considered as an appropriate habitant for raising small ruminants due to its pastures. The aim of this study was the determine of babesia infection rate in small ruminants of Sanandaj.

Materials and Methods: Ethanol-fixed blood samples of 300 small ruminants (190 of sheep and 110 of goats) that were taken in 2014-2015 from different part of Sanandaj were analyzed for babesia infection. Giemsa stained blood smears were observed by optical microscope.

Results & conclusion: Results of this study showed that Babesia species was recorded among the small ruminants as 110/300(36/6%). Statistical analysis showed the significant relationship between infection rate and age group, gender, tick presence. According to the result of this study, prevalence rate of babesia infection in Sanandaj must be considered and control programs of babesiosis like eradication of vector must be performed.

Keywords: Babesia, small ruminant, prevalence, Sanandaj



بررسی حضور انگل نئوسپورا کانینوم در مغز موش‌های صید شده در گاوداری‌های دارای مشکل سقط شهرستان اراک با روش مولکولی

محمد خانی ۱، فاطمه عرب خزائلی ۳*، سید داوود حسینی ۲، پرویز شایان ۳

۱ دانش آموخته ی گروه انگل شناسی دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران، ۲ موسسه تحقیقات واکسن و سرم سازی رازی

۳ گروه انگل شناسی، دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران ۲

farab@ut.ac.ir

هدف: نئوسپورا کانینوم یک تک یاخته انگلی است که باعث ایجاد خسارات اقتصادی در صنعت گاوداری می‌شود. با توجه به اهمیت اقتصادی بیماری، مطالعه برای شناسایی ابعاد ناشناخته‌ی سیر تکاملی و بیولوژی انگل در دنیا ادامه دارد. یکی از مسائل مرتبط با این تک‌یاخته نقش سایر گونه‌های جانوری در انتقال، حفظ و انتشار آلودگی می‌باشد، که از جمله این گونه‌های جانوری می‌توان به جوندگان به ویژه موش‌ها به عنوان یکی از شایع‌ترین ساکنان گاوداری‌ها و مزارع پرورش دام‌ها اشاره نمود. در این طرح احتمال حضور تک‌یاخته نئوسپورا در جوندگان، به عنوان یکی از گونه‌های جانوری شایع در گاوداری‌ها مورد بررسی قرار گرفته است.

مواد و روش کار: ۶۸ نمونه موش خانگی (*Mus musculus*) از گاوداری‌های درگیر مشکل سقط جنین در شهرستان اراک اخذ گردید که پس از انتقال به آزمایشگاه، نمونه مغز موش جهت انجام آزمایش PCR آماده سازی و پس از استخراج DNA با پرایمرهای اختصاصی انگل نئوسپورا کانینوم مورد بررسی قرار گرفتند.

بحث و نتیجه گیری: در مطالعه حاضر هیچ یک از نمونه‌های مغز تهیه شده از موش‌های خانگی حضور DNA نئوسپورا را نشان ندادند. در جوندگان تاکنون آنتی بادی‌ها و/ یا DNA نئوسپورا کانینوم از موش قهوه ای، موش خانگی، موش مزرعه، موش خرمن، موش صحرائی و سایر جوندگان جداسازی شده‌است. هر چند تا به حال هیچ گزارشی از نئوسپوروزیس به طور طبیعی در موش یا سایر جوندگان وجود ندارد با این حال، محققین با مشاهده کیست‌های بافتی انگل، نقش جوندگان وحشی را به عنوان میزبان مخزن برای آلوده نمودن حیوانات وحشی اثبات کرده‌اند. شاید یکی از دلایل عدم حضور DNA نئوسپورا کانینوم در نمونه موش‌ها در این مطالعه، فقدان تنوع گونه‌ای در جوندگان مورد بررسی بوده است لذا انجام مطالعات وسیع‌تر با تنوع گونه‌ای بیشتر، روش‌های متعدد ردیابی انگل مانند روش‌های مولکولی، آزمایشات سرولوژیک و کشت و نیز استفاده از نمونه‌های تهیه شده از بافت‌هایی غیر از بافت عصبی توصیه می‌گردد.

کلمات کلیدی: نئوسپورا کانینوم، گاو، موش، اراک، PCR

Molecular detection of *Neospora caninum* in aborted fetuses and rodents of cattle farms in Arak

Arabkhazaeli F1*, Khani M2, Hosseini SD2, Shayan P1

1 Department of Parasitology, Faculty of Veterinary Medicine, University of Tehran

2 Razi Vaccines and Serum Research Institute, Arak, Iran

Objectives: *Neospora caninum* is one of the most important pathogenic protozoan parasites causing bovine abortion around the world. Little is known about the epizootiology and its sylvatic cycle. The aim of this study was to detect the presence of *Neospora caninum* in the brain, cerebellum and medulla oblongata of aborted fetuses in cattle in Arak and investigating the potential role of rodents in the epidemiology of neosporosis by assaying brain tissue of feral mice (*Mus musculus*) by *N. caninum*-specific nested polymerase chain reaction (PCR) assays. Materials and Methods: 38 samples of brain, cerebellum and medulla oblongata from aborted fetuses in dairy cattle and 68 brain samples from feral mice captured in the affected farms of Arak were tested for the presence of *Neospora* with nested-PCR. Results and Conclusions: Survey findings indicated the presence of DNA in 26.3% of aborted fetal brains. In the fetal cerebellum and medulla oblongata samples no *Neospora caninum* DNA was detected. There was a significant relationship between neosporosis and maternal age (number of calving), abortion history and the presence of dogs in the herd. The results showed a significant association between the infection and the number of abortions in the examined cows; as a result it seems that neosporosis could be an important factor in epidemic abortions in Arak city's dairy farms which requires continuous monitoring and implementing of prevention programs in the dairy industry. None of the 68 feral mice samples were positive in the PCR assay. Viable *N. caninum* parasites have not been isolated from any species of wild rodents though the parasite antibodies and/or DNA have been detected in several free ranging rodents. Determining the role of rodents in the epidemiology of *N. caninum* necessitates further investigation.

Keywords: *Neospora caninum*, Dairy cattle, PCR, abortion, rodents.



گزارش مرگ ناگهانی ناشی از انسداد روده بدلیل آلودگی به مونیزیا بندنی در یک راس میش بومی

غزاله ادهمی^{۱*}، محسن قاسمی نیک^۲

گروه پاتوبیولوژی، دانشکده دامپزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران^۱

دانش آموخته دکترای عمومی دامپزشکی، دانشکده دامپزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران^۲

Email: adhamidvm@gmail.com

هدف: نشخوارکنندگان مهمترین میزبان آلودگی‌های کرمی هستند و حدود ۱۰۰٪ نشخوارکنندگانی که چرای آزاد دارند مبتلا به یک یا چندین نوع آلودگی کرمی می‌باشند. این کرمها با میزبان خود به نوعی به همزیستی رسیده و عمدتاً شکل مزمن یا تحت درمانگاهی آلودگی کرمی در حیوانات آلوده دیده میشود که اگرچه با نشانه درمانگاهی خاصی همراه نیست موجب ایجاد خسارات اقتصادی زیادی خواهد شد. مواد و روش کار: به دنبال ارجاع یک رأس میش تلف شده ۳ ساله نژاد بومی با بطری فکی شدید به کلینیک دامپزشکی شهرستان کوهدشت، و وجود تلفات در گله کالبدگشایی جهت تشخیص علت مرگ صورت گرفت. نتایج و بحث: در کالبدگشایی دستگاه گوارش آلودگی شدید به سستوهای روده‌ای که موجب انسداد در قسمت‌هایی از روده شده بود، مشاهده گردید. در بررسی آزمایشگاهی آلودگی به مونیزیا بندنی گزارش گردید. با توجه به عدم مصرف ضدانگل در یکسال گذشته توسط دامدار، مصرف بلوس آلبندازول و نیکلوزماید جهت تمام گله به منظور کاهش تلفات و کنترل آلودگی کرمی صورت گرفت. کلمات کلیدی: سستود، میش، آلودگی، مرگ ناگهانی

Report of sudden death caused by intestinal obstruction due to *Moneizia benedeni* infection in a native ewe

Adhami GH*, Ghasemi nik M

Department of parasitology, Islamic azad university, Sanandaj branch, Iran

Graduated of veterinary medicin, Islamic azad university, Sanandaj branch, Iran

Email: adhamidvm@gmail.com

Objectives: Ruminants are the most important hosts of helminthic infections and about 100% of ruminants are suffering to one or more helminthic infections. Although symbiosis relationship between helminths and their hosts has been established, and there is chronic or subclinical forms of helminthic infection without any specific clinical signs, there is an occurrence of great economic losses due to helminthic infection.

Materials and Methods: Following the returning of an 3 years old native ewe to the Koohdash veterinary clinic with sudden death and bootle jaw necropsy was performed to determine the cause of death in flock.

Results and discaution: At gastrointestinal necroscopy, sever helminthic infection that causes obstruction of the intestine were observed in some parts of intestinal canal. In laboratory evaluation infection due to *Moneizia benedeni* reported. Due to the lack of anti-parasitic consumption by farmers in the past year, taking Albendazole and Niclosamide to reduce losses and control of helminthic infection recommended.

Keywords: cestoda, ewe, infection, obstruction, sudden death



کنترل موفقیت آمیز نفخ راجعه مرتبط با التهاب صفاق در گوساله‌های شیرخوار

امجد شریفی*، ۲ ناصر علی‌دادی، ابوالفضل کلهری ۳

^۱دانشجوی سال پنجم دوره دکترای عمومی دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران، ^۲دانشیار بخش بیماری‌های داخلی دام‌های بزرگ دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران

^۳دانشجوی سال دوم دوره دکترای عمومی دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران

*mm.safari1377@ut.ac.ir

هدف: برطرف شدن مشکل نفخ راجعه مزمن و تلفات مرتبط با التهاب صفاق در گوساله‌های شیرخوار، هدف از این گزارش است که مکرراً با داروهای ضد نفخ در سطح بالین با توجه به علامت اصلی نفخ شکمی، تحت درمان قرار می‌گیرند و البته با پاسخ مناسب روبرو نخواهد شد. مواد و روش‌ها: تعداد شش سر گوساله شیرخوار ۱۰ تا ۲۰ روزه با میانگین وزن ۴۰ کیلوگرم که در باکس مجزا و ضد عفونی نشده با علائم هیپوترمی، کم اشتها، افسردگی، کاهش هوشیاری، نفخ شکمی راجعه برای حدود دو ماه و اسهال شدید، کاهش رشد و وزن را در مقایسه با پنج سر گوساله مشابه سالم که هم‌زمان در یک باکس مجزا و کاملاً ضد عفونی شده نگهداری می‌شدند، نشان دادند. سرانجام دو سر از بیماران (۳۳ درصد) با علائم سپتی‌سمی و شوک گردش خون تلف شدند. در کالبدگشایی شواهد درگیری صفاق، پرخونی پرده سروزی، تجمع مایعات متعفن در حفره شکم، لخته‌های فیبرین، چسبندگی و پرخونی روده‌ها مشاهده شد. با توجه به سابقه بیماران، اساس کار بر ضد عفونی تمام عیار و هر چه سریع‌تر باکس محل نگهداری بیماران و تعویض کامل بستر، شستشو با آب پرفشار و درجنت، و شعله افکنی گذاشته شد. بهره‌گیری از پادزیست‌های اکسی‌تتراسایکلین و تایلوزین ۵ درصد و ترکیب فسفر+ب۱۲ به مدت سه روز پی در پی از راه درون عضلانی و ادامه آن با شکل طولانی اثر ۲۰ درصد هر دو نوع پادزیست از راه زیر پوستی، توانست که ضمن قطع کامل تلفات، وضعیت بالینی گوساله‌های بیمار را به حالت عادی برگرداند و وضعیت رشد و وزن‌گیری آنها را به حالت عادی برگرداند. بحث و نتیجه‌گیری: نشانگان نفخ شکمی در گوساله‌های شیرخوار از مشکلات گوارشی شایع در این دسته از دام‌هاست. در اغلب موارد برای درمان این گوساله‌ها از داروهای ضد نفخ مانند دایمتیکون (بلوترو) یا پارافین استفاده می‌شود. در حالی که ممکن است در مواردی هم التهاب صفاق ریشه و علت اصلی مشکلات بالینی متعددی باشد که این نوع گوساله‌ها، آنها را هم زمان با نفخ نشان می‌دهند و لذا نایبستی با عدم تشخیص التهاب صفاق و تجویز بهنگام داروهای ضدباکتریایی از عواقب و خطرات آن غافل شد. کلمات کلیدی: گوساله شیرخوار، نفخ راجعه، تلفات، التهاب صفاق

Successful treatment of recurrent bloat associated with peritonitis in suckling calves

1Sharifi M*, 2Alidadi N, 3Kalhori A

1Student of DVM program, College of Veterinary Medicine, University of Tehran

2Associate professor of Large Animal Health and Medicine, College of Veterinary Medicine, University of Tehran

3Student of DVM program, College of Veterinary Medicine, University of Tehran

* mm.safari1377@ut.ac.ir

Objectives: Dissolving a problem of chronic recurrent bloat and complete ceasing of losses associated with peritonitis in the suckling calves is the aim of this report which are frequently treated by anti-bloat drugs in clinical field respecting the cardinal sign of abdominal meteorism, and would not have a suitable treat response, Of course.

Materials and Methods: A number of six suckling calves 10 to 20 days old with an average weight of 35 kg showed hypothermia, in appetite, depression, lack of alertness, recurrent abdominal bloat for about two months, severe scour and poor gain and growth in comparing to 5 healthy similar calves which were reared simultaneously in adjacent, completely apart box. Two of the cases (33%) loses at last, manifesting signs of septicemia and circulatory shock. Evidences of involvement of the peritoneum was observed in necropsy including congestion of peritoneal lining, infiltration of putrid fluids in abdominal cavity, fibrin clots, adhesions and abomasal distention and in intestinal hyperemia. Given the history and clinical profile, intensive disinfection of the box of calves was considered as the basis of treatment as soon as possible and the contaminated bedding exchanged, and also complete washing of the premise, using antibacterial compounds and flame gas-jetting. Oxytetracycline and tylosine 5% as IM and a phosphorous+B12 compound for three successive days and then single SC injections of a 20 percent of form of the antibiotics were administered. Complete ceasing of the losses and recovery clinical state of the diseased calves were observed following the treatment, and the average weight of the cases is similar to the healthy calves after passing 3 months.

Results and discussion: Syndrome of abdominal bloat is a prevalent problem in suckling calves which is treated often with anti-bloat drugs such as dimeticone (Blo-trol) or mineral oil. Whereas, peritonitis may be the origin and primary cause of several alimentary problems that such calves show concurrently with bloat, and it should not be neglected diagnosis of peritonitis and proper administration of antibacterial drugs to face the relevant consequences and risks.

Key words: Suckling calves, recurrent bloat, losses, peritonitis



تعیین مولکولی تیلریا اویس در بز در استان تهران، ایران

مهدی خداویسی^۱، صادق رهبری^۲، پرویز شایان^۳، نازگل راشدی^۴، هومن رونقی^۵

۱-۲-۳-۵ آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، ۴ آزاد اسلامی واحد گرمسار

تیلریا از جمله تک‌یاخته‌های خونی مهم در بسیاری از کشورهای دنیا و همچنین ایران بوده که توسط کنه‌ها منتقل می‌شود و سبب ایجاد زیان‌های اقتصادی فراوان در مناطق گرمسیری و نیمه‌گرمسیری در سراسر جهان می‌شود. این مطالعه برای تعیین گونه‌های تیلریا در بز انجام شد. نمونه‌های خون از ۴۰۰ راس بز به ظاهر سالم با استفاده از روش‌های انگل‌شناسی آزمایش شد. استخراج DNA از خون، به منظور تفریق گونه‌های تیلریا و بابزیا از یکدیگر صورت گرفت و با پرایمرهای اختصاصی منشعب از ژن کدکننده 18SrRNA تکثیر پیدا کرد. به منظور تفریق گونه‌های تیلریا از یکدیگر آزمایش Semi-Nested PCR با پرایمرهای اختصاصی برای تیلریا لستوکاردی، تیلریا آنولاتا و تیلریا اویس انجام شد. نتایج میکروسکوپی نشان داد که ۱/۷ درصد (۷ مورد از ۴۰۰ نمونه) به تیلریا اویس آلوده بوده در حالی که در بررسی Semi-Nested PCR ۶ درصد (۲۴ مورد از ۴۰۰ نمونه) برای تیلریا اویس مثبت بودند. نتایج نشان داد که هیچ DNA انگل‌های تک‌یاخته‌ای دیگری در نمونه‌های خون بزها در این منطقه وجود ندارد. می‌توان نتیجه گرفت که تیلریا اویس در بزهای بدون علائم بالینی قابل شناسایی است. بنابراین آنها می‌توانند به عنوان مخازن عفونت برای کنه‌ها و عامل انتقال طبیعی بیماری به سایر نشخوارکنندگان در نظر گرفته شوند.

واژگان کلیدی: تیلریا، Semi-Nested PCR، بز، ایران



التهاب سینوویال‌های وتری تارس در یک راس مادبان: چالش‌های تشخیصی و درمانی

موسی جاودانی، غلامعلی کجوری، امید عالی‌انوری*

گروه علوم درمانگاهی دانشکده دامپزشکی دانشگاه شهرکرد

[*dromid.aali71@gmail.com](mailto:dromid.aali71@gmail.com)

هدف: التهاب ورقه‌ای سینوویال یکی از دلایل ناشناخته‌ی لنگش در اسب می‌باشد که ممکن است منجر به تهدید زندگی یا حرفه‌ای شود. لنگش بوجود آمده در اثر التهاب و گندیدگی غلاف سینوویال معمولاً همراه با علائم شدید گرما، درد و ترشحات ناحیه‌ی تارسال می‌باشد. مواد و روش‌ها: اسب همراه با التهاب غلاف سینوویال باید مشابه با اسبی که مبتلا به آرتروز عفونی است درمان شود. این می‌تواند مورد خوبی باشد که برای التهاب مفصل عفونی، بهترین روش درمان، همراه ترکیبی از درمان آنتی‌میکروبیال سیستمیک و لاواژ مفصل یا تزریق مواد آنتی‌میکروبیال داخل رگی ناحیه‌ای باشد.

بنابراین تجربه نشان داده است که پاسخ رضایت بخش درمان غیرتهاجمی، پشتوانه مداخله جراحی می‌باشد. معاینه‌ی قسمت تارسوس نشان داد لمس ناحیه‌ی انگشتی غلاف تارسال با ریزش و ترشحات از ناحیه‌ی داخلی کف تارسوس و همچنین پاسخ دردناک همراه است. چنانچه زخم ناحیه باز باشد و مجرای خروجی زخم موجود باشد اسب ممکن است علائم ظاهری، که در درجه اول منجر به فقدان اتساع ناحیه‌ی غلاف تاندونی شود، همچنین درد و لنگش را کمتر نشان می‌دهد. تشخیص نهایی براساس رادیوگرافی، اولتراسونوگرافی، کشت میکروبی مایع مفصلی، تست حساسیت آنتی‌میکروبی و آزمایش سلولی می‌باشد

بحث و نتیجه‌گیری: یک مادبان دو ساله به کلینیک مراجعه کرد. از آنجاییکه کیس مورد نظر علائم کلینیکی شامل: التهاب، گرما، درد، ضربه و لنگش را نشان میداد، برای تأیید مشاهدات، یک عکس رادیوگرافی از ناحیه‌ی مفصل تارس (مورب جانبی میانی) گرفته شد. و بعد از معاینات کلینیکی و اخذ تاریخچه برای تأیید تاریخچه یک عکس رادیوگرافی (مورب جانبی میانی) گرفته شد. ما برای درمان کیس مورد نظر از آنتی‌بیوتیک و ضدالتهاب به منظور کاهش درد و التهاب استفاده کردیم. آنتی‌بیوتیک جنتامایسین سولفات و ضدالتهاب فلونکسین تجویز شد. بعد از یک هفته مشاهدات درجاتی از بهبود و سلامت را نشان داد. پس از دو هفته، مادبان بهبود یافت اگرچه درجات خفیف از لنگش برای همیشه باقی ماند.

کلمات کلیدی: مادبان، التهاب سینوویال‌های وتری، تارس، تشخیص، درمان

Tarsal tenosynovitis in a mare: Diagnostic and Therapeutic Challenges

Moosa Javdani, Gholamali Kojouri, Omid Aalianvari*

Department of Clinical Sciences, Faculty of Veterinary Medicine, Shahrekord University, Shahrekord, Iran

[*dromid.aali71@gmail.com](mailto:dromid.aali71@gmail.com)

Objectives: Septic tarsal sheath tenosynovitis is an uncommon cause of lameness in horses that may become career or life threatening. Lameness associated with septic tarsal sheath tenosynovitis is commonly severe and accompanied by heat, pain, and swelling of the tarsal region.

Materials & Methods: Horses with septic tarsal sheath tenosynovitis should be treated similarly to horses with septic arthritis. It has been well documented that septic arthritis is best treated with a combination of systemic antimicrobial therapy, joint lavage, and/or regional intravenous perfusion with antimicrobials. Furthermore, experience indicates that an unsatisfactory response to noninvasive therapy warrants surgical intervention. Examination of the tarsus reveals plantar medial effusion, and a painful response can be elicited by digital palpation of the tarsal sheath. If an open, draining wound is present, the horse may exhibit less obvious signs of pain and lameness, primarily due to the lack of distention of the tendon sheath. Final diagnosis based on radiography, ultrasonography, synovial fluid bacterial culture, antimicrobial sensitivity and cytological examination.

Results & Conclusion: A Mare with 2years old refer to clinic. Considering this case was clinical sign included: inflammation, heat, pain, trauma and lameness, for confirm our observation take a radiography from tarsal joint (lateromedial oblique). We are using systemic antibiotic and anti-inflammation (NSIAD) for losing pain and inflation. After clinical examination and getting history for confirm the history we are taking radiography (take that later medial oblique) prescribe antibiotic (Gentamicin sulfate) and anti-inflammation (flonexin). After a week observations shows degree of recovery and health. And after 2weeks the mare was health although degrees of lameness remains for ever.

Keywords: Mare, tenosynovitis, tarsus, diagnosis, treatment